

آرای وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور

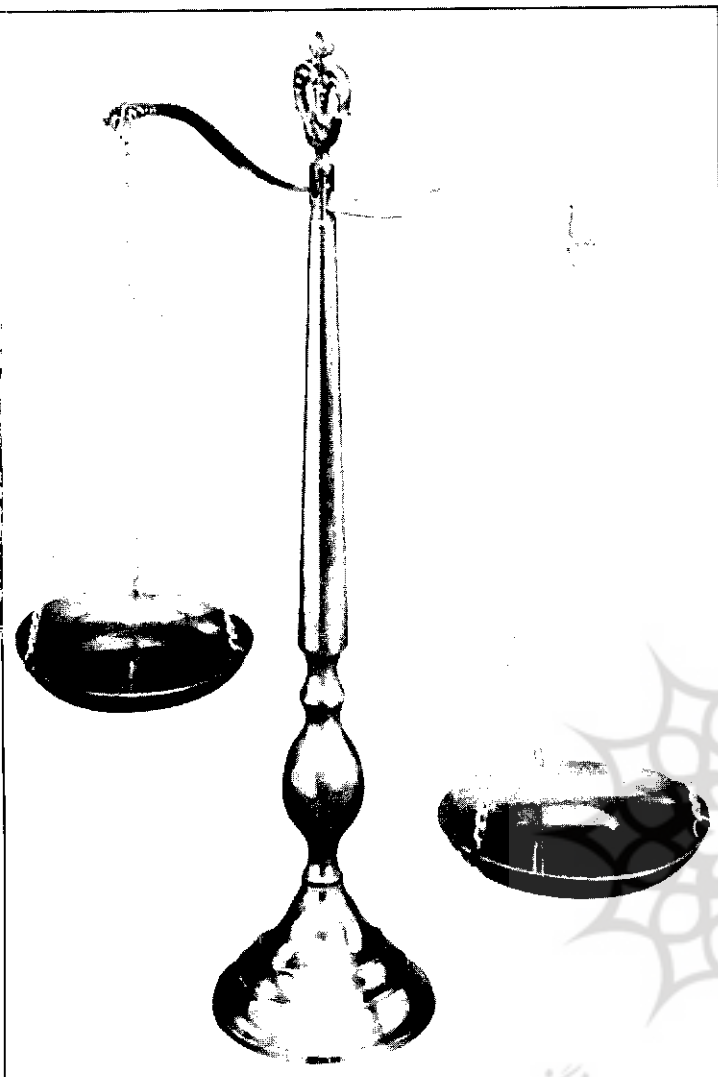
رای وحدت رویه شماره: ۶۸۶-۱۳۸۵/۲/۵

به موجب تبصره ۱ ماده ۲۰ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، رسیدگی به جرائمی که مجازات آنها قصاص عضو یا قصاص نفس یا اعدام ... باشد در صلاحیت محاکم کیفری استان است و برطبق مواد ۲۱۹ و ۲۲۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری به کلیه جرائم اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال تمام در دادگاه اطفال رسیدگی می‌شود، که رسیدگی در هر دو دادگاه رسیدگی بدوی است و مرجع تجدیدنظر آراء صادره از دادگاه اطفال که مجازات آنها قصاص نفس یا اعدام ... باشد دیوان عالی کشور است نه دادگاه کیفری استان. بنابراین مورد از شمول ماده ۳۰ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی خارج است و در صورت حدوث اختلاف بین دادگاه اطفال مستقر در حوزه قضایی یک استان و دادگاه کیفری همان استان، مرجع حل اختلاف دیوان عالی کشور می‌باشد. بنا بمراتب رأی شعبه ۱۶ دیوان عالی کشور که با این نظر انطباق دارد به نظر اکثریت اعضاء هیات عمومی دیوان عالی کشور قانونی تشخیص می‌شود.

این رأی مستنداً به ماده ۲۷۰ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم‌الاتباع است.

رای وحدت رویه شماره: ۶۸۷-۸۵/۳/۲

برابر تبصره ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۸۷/۱/۲۲ به کلیه جرائم اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال تمام در دادگاه اطفال طبق مقررات عمومی رسیدگی می‌شود و مطابق تبصره یک



ماده ۲۰ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۱ رسیدگی به جرائم مستوجب قصاص عضو یا قصاص نفس یا اعدام یا رجم یا صلب و یا حبس ابد و نیز جرائم مطبوعاتی و سیاسی، در دادگاه تجدید نظر استان، که در این مورد دادگاه کیفری استان نامیده می‌شود، به عمل می‌آید و به موجب این تبصره، رسیدگی بدوی به جرائم مذکور در این قانون، با توجه به اهمیت آنها از نظر شدت مجازات و لزوم اعمال دقت بیشتر از حیث آثار اجتماعی، از صلاحیت عام و کلی دادگاه اطفال که با یک نفر قاضی اداره می‌شود به طور ضمنی نسخ گردیده و در صلاحیت انحصاری دادگاه کیفری استان که

امور مدنی به شمار می‌رود و نظر به اینکه در همان حال، محل صدور چک در وجه ثالث، با تکیه بر ترکیب «محال علیه» در ماده‌ی ۳۱۰ قانون تجارت نوعی حواله محسوب است که قواعد ماده‌ی ۷۲۴ قانون مدنی حاکم بر آن است، از این نظر با توجه به مبلغ مقید در آن جزء اموال منقول بوده و هم‌چنان مصدافی از ماده‌ی ۱۳ مسبوق‌الذکر می‌تواند باشد، بی‌تردید دارنده چک می‌تواند تخییراً به دادگاه محل وقوع عقد یا قرارداد یعنی محل صدور چک، یا به دادگاه محل انجام تعهد، یعنی محل استقرار بانک محال علیه یا با عنایت به قاعده‌ی عمومی صلاحیت نسبی موضوع ماده‌ی ۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی برای اقامه‌ی دعوی به دادگاه محل اقامت خواننده مراجعه کند. با وصف مراتب رجوع دارنده چک به هر یک از دادگاه‌های یاد شده توجهها به ماده‌ی ۲۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب برای آن دادگاه در رسیدگی به دعوا ایجاد صلاحیت خواهد کرد.

رای وحدت رویه شماره: ۶۹۰ - ۱۳۸۵/۵/۳

با توجه به بند «ن» از ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸ قرار منع تعقیب صادره از بازپرسی به تقاضای شاکی خصوصی قابل اعتراض در دادگاه صالحه بوده و نظر دادگاه در این مورد قطعی و غیرقابل تجدیدنظر است، علیهذا به نظر اکثریت قریب به اتفاق اعضاء هیات عمومی وحدت رویه دیوان عالی کشور، رای شعبه شانزدهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران که با این نظر منطبق است قانونی تشخیص و مورد تایید است.

این رای به استناد ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم‌الاتباع خواهد بود.

غالباً از پنج نفر قاضی تشکیل می‌یابد قرار داده شده است. بنا به مراتب فوق، به نظر اکثریت اعضاء هیات عمومی دیوان عالی کشور، صلاحیت کلی دادگاههای اطفال در رسیدگی به تمامی جرایم اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال تمام، با تصویب تبصره ماده ۲۰ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱، منحصرأ در رسیدگی به جرایم مذکور در این تبصره مستثنی گردیده است و رای شعبه بیستم دیوان عالی کشور در حدی که با این نظر انطباق دارد صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد. این رای وفق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای کلیه دادگاهها و شعب دیوان عالی کشور لازم‌الاتباع می‌باشد.

اصلاحیه رای وحدت رویه شماره: ۶۸۷ - ۸۵/۳/۲

بدینوسیله عنوان رای وحدت رویه شماره ۶۸۷ مورخ ۱۳۸۵/۳/۲ دیوانعالی کشور در صفحه اول روزنامه رسمی شماره ۱۷۸۶۵ مورخ ۱۳۸۵/۴/۷ بدین ترتیب تصحیح می‌گردد:

صلاحیت کلی دادگاههای اطفال در رسیدگی به تمامی جرایم اشخاص بالغ کمتر از هجده سال تمام با تصویب تبصره ۲۰ قانون اصلاح تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ منحصرأ در رسیدگی به جرایم مذکور در این تبصره مستثنا گردیده است.

رای وحدت رویه شماره ۶۸۸ - ۱۳۸۵/۳/۲۳

نظر به اینکه چک با وصف فقدان طبع تجاری، از جهت اقامه‌ی دعوی توجهها به ماده‌ی ۳۱۴ قانون تجارت، مشمول قواعد مربوط به بروات، موضوع بند ۸ ماده‌ی ۲ قانون تجارت است و از این منظر به لحاظ صلاحیت از مصادیق قسمت فراز ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در